

برای اقتصاد ایران

اتخاذ رویکرد ترکیبی با تاکید بر ارتقای بهره‌وری

کل عوامل ضروری است

اشاره:

بهره‌وری عاملی است که از طریق ارتقای آن بسیاری از کشورها توانسته‌اند بخشی از رشد اقتصاد ملی خود را تأمین کنند. در بسیاری از کشورهای درحال توسعه که کمبود منابع سرمایه‌گذاری و سطح پایین فناوری از عوامل منفی برای ارتقای رفاه اقتصادی - اجتماعی تلقی می‌شود، می‌توان با بالا بردن بهره‌وری، بخشی از رشد تولید ناخالص داخلی را میسر ساخت و رفاه آحاد جامعه را تأمین نمود.

با توجه به نقش کلیدی و مؤثری که ارتقای بهره‌وری در رشد اقتصادی - اجتماعی کشورها دارد، اکنون تلاش برای ارتقای بهره‌وری در تمام کشورها اعم از پیشرفته و در حال توسعه پیگیری می‌شود و برنامه‌ریزی‌های جامعی برای ترکیب بهینه عوامل و ارتقای بهره‌وری صورت می‌گیرد.

سازمان ملی بهره‌وری ایران با انتشار گزارشی با عنوان «بررسی وضعیت موجود بهره‌وری در کشور و ارزیابی برنامه ملی بهبود بهره‌وری» به بررسی تعاریف و مفاهیم بهره‌وری، مبانی نظری بهره‌وری و رویکردهای توسعه، بررسی شناخت وضع موجود بهره‌وری و تحلیل آن و نیز برنامه ملی بهبود بهره‌وری پرداخته است که نظر به اهمیت این گزارش برداشت‌هایی از آن برای اطلاع خوانندگان گرامی نشریه «بررسی‌های بازرگانی» درج می‌شود.

در مقدمه گزارش بررسی وضعیت موجود بهره‌وری در کشور و ارزیابی برنامه ملی بهبود بهره‌وری آمده است: بهره‌وری یک عامل کلیدی است که به جامعه توانایی ایجاد ارزش افزوده از طریق تلفیق بهینه منابع موجود، دانش و مهارت‌های انسانی، فناوری، ابزار، مواد خام، انرژی، سرمایه و خدمات واسطه را می‌دهد. بهبود بهره‌وری به خوشبختی ملت‌ها کمک کرده، شرکت‌ها را در بازار جهانی رقابتی می‌کند و بدین ترتیب بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد. بدون تدبیر افراد به ویژه مدیران و بدون افزایش بهره‌وری، بشر توانایی بقا و پیشرفت را از دست خواهد داد.

«تعاریف و مفاهیم»
تعریف بهره‌وری:
کلمه بهره‌وری برگردان واژه انگلیسی **Productivity** به معنای قدرت و قابلیت تولید است. به عبارت دیگر بهره‌وری به معنای قابلیت ایجاد ارزش افزوده در یک سیستم است. بهره‌وری یعنی انجام کار درست به روش درست. سازمان بین‌المللی کار (ILO) بهره‌وری را این چنین تعریف کرده است: «هر کس باید بیشتر از آنچه مصرف می‌کند، تولید کند.»

شاخص‌های بهره‌وری:
اندازه‌گیری جزء لاینفک و به تعبیری نقطه آغاز فرآیند علمی مدیریت بهره‌وری است. اگر مفاهیم

بهره‌وری به صورت علمی مطرح شوند، به ابزارهایی برای کنترل و نظارت بر پیشرفت، فراهم آوردن بازخور عملیات، تعیین هدف‌های قابل اندازه‌گیری و ارزیابی عملکرد مدیریت نیاز است. به عبارت دیگر، اندازه‌گیری بهره‌وری فراهم‌آورنده اطلاعاتی است که امکان ارزیابی و قضاوت پیرامون چگونگی حرکت به سوی هدف و میزان اثربخشی و کارایی عملیات را به وجود می‌آورد. بنابراین تعیین شاخص بهره‌وری و اندازه‌گیری آن مشخص می‌کند که به چه میزانی کارهای درست را درست انجام داده‌ایم. البته انتخاب درست شاخص و اندازه‌گیری دقیق آن، شرط لازم برای سنجش وضعیت موجود بهره‌وری و تحقق اهداف در زمانی معین است.

انواع شاخص‌های بهره‌وری

شاخص‌های بهره‌وری به دو دسته تقسیم می‌شوند. اول شاخص بهره‌وری جزئی (بهره‌وری عامل مستفرد است. وقتی در مورد یکی از عوامل تولید، شاخص بهره‌وری تعریف و اندازه‌گیری شود، شاخص بهره‌وری جزئی نامیده می‌شود. مانند بهره‌وری نیروی کار که عبارت است از خارج قیمت نهاده نیروی کار بر ستانده کل و بهره‌وری سرمایه که عبارت است از خارج قیمت نهاده سرمایه بر ستانده کل).

دوم شاخص بهره‌وری کل که عبارت است از نسبت ستانده کل به مجموع کل نهاده‌ها.

ستانده کل / نهاده‌های کل (کار و سرمایه) = (TEP) بهره‌وری کل سهم بهره‌وری کل عوامل تولید در رشد اقتصادی

رشد اقتصادی می‌تواند از طریق افزایش مقدار داده‌ها (نیروی کار، سرمایه و...) و یا بهبود بهره‌وری داده‌ها به دست آید. درصدی از رشد تولید ناخالص داخلی که از طریق بهبود بهره‌وری عوامل تولید حاصل می‌شود، سهم بهره‌وری کل عوامل تولید در رشد اقتصادی نامیده می‌شود.

برای سنجش وضعیت بهره‌وری، ابتدا باید شاخص‌های آن را محاسبه کرد. سپس با مقیاس‌ها و معیارهای بین‌المللی مقایسه و سطح آن را به دست آورد. آنگاه در جهت رساندن شاخص‌ها به سطح قابل قبول، با بهره‌گیری از روش‌های علمی و فناوری پیشرفته گام برداشت.

تاریخچه پیدایش بهره‌وری

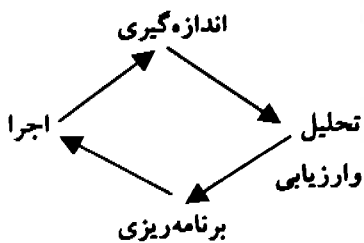
بشر همواره درصدد بوده که با توجه به محدودیت‌های خاص زمان و مکان خود، از منابع در دسترس، حداکثر استفاده را بنماید. از زمان‌های دور تا کنون بشر همواره در تلاش بوده است که حداکثر بهره‌وری از منابع سخت‌افزاری و نرم‌افزاری حاصل شود. بنابراین بهره‌وری عمری به قدمت طول تاریخ بشر دارد.

اما واژه «بهره‌وری» به صورت علمی برای نخستین بار در سال ۱۷۶۶ میلادی توسط محقق به نام «کواسانگ» در یک مقاله پژوهشی

به کار گرفته شده و یک قرن بعد فردی به نام «لیتر» از این واژه تعریف کوتاهی ارائه داد. بدین ترتیب که بهره‌وری به معنای «اشتیاق و تمنای تولید» است. همان گونه که پیداست، واژه بهره‌وری ابتدا منحصر به تولید بود و در عرصه‌های دیگر چندان شناخته شده نبود. تا اوایل قرن بیستم، مفهوم دقیق این واژه روشن نشد، تا این که در آغاز این قرن، رابطه بین محصول در یک نظام تولیدی و منابعی که برای تولید این محصول به کار گرفته می‌شوند، مورد نظر کارشناسان واقع شد.

مدل بهبود بهره‌وری (چرخه بهره‌وری):

چرخه بهره‌وری یا مدل توسعه بهره‌وری در سطوح کلان و خرد از یک روش بسیار متداول و غیرپیچیده پیروی می‌کند که بدین شکل است:



این مدل نشان می‌دهد که چهار مرحله برای ارتقای بهره‌وری در یک سیستم (نظام) باید انجام شود.

اول: باید بر اساس شاخص‌هایی، اندازه‌گیری بهره‌وری انجام شود. دوم: باید شاخص‌های بهره‌وری تحلیل و ارزیابی شود.

سوم: باید بر اساس تحلیل و ارزیابی به دست آمده، برنامه‌ریزی برای ارتقای بهره‌وری انجام شود. چهارم: برنامه‌ریزی تدوین شده باید اجرا شود.

و این چرخه باید از اول تکرار شود.

رویکردهای مختلف توسعه اقتصادی

بدون شک توسعه اقتصادی با افزایش توانمندی‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی ممکن خواهد شد. اما برای نیل به توسعه اقتصادی، رویکردهای متفاوتی وجود دارند که عبارتند از:

الف - توسعه اقتصادی با ایجاد ظرفیت‌های جدید (افزایش نهاده‌ها)

ب - توسعه اقتصادی با ارتقای بهره‌وری ظرفیت‌های موجود (افزایش ستانده‌ها)

ج - توسعه اقتصادی با روش ترکیبی.

در رویکرد توسعه اقتصادی با ایجاد ظرفیت‌های جدید (افزایش نهاده‌ها)، مدیران عالی و ترسیم‌کنندگان راهبرد توسعه، بر این باور هستند که با ایجاد ظرفیت‌های جدید و به‌کارگیری منابع سرمایه‌ای و انسانی بیشتر، توسعه محقق شده و درآمد ملی افزایش می‌یابد. به عبارتی از طریق افزایش سرمایه‌گذاری و اشتغال، تولید ناخالص داخلی بالا می‌رود و استاندارد زندگی ارتقا می‌یابد و در نهایت بهبود کیفیت زندگی تحصیل می‌گردد.

تجربه ایران در سال‌های اخیر و نیز تجربیات جهانی نشان داده که این رویکرد، چندان موفق نبوده است،

زیرا اولاً سرمایه یکی از مقتضیات و شرایط توسعه است و نه همه آن. برای آنکه سرمایه به عمل‌آوری برسد و بازده مطلوب داشته باشد، باید سایر مقتضیات و شرایط عمل‌آوری از قبیل منابع انسانی، اطلاعات و دانش فنی و از همه مهمتر (قوانین، مقررات و ساختارها) مدیریت، به صورت موزون و متناسب توسعه یافته باشد.

ثانیاً به‌کارگیری این رویکرد، به تدریج ساختارها و نظام‌های اجرایی برای ایجاد ظرفیت‌های جدید که از نگرش‌ها و باورهای مدیریتی منشعب شده است، به گونه‌ای شکل خواهد گرفت که عمل‌آوری سرمایه را دچار مشکل خواهد کرد. وجود انبوه طرح‌های نیمه تمام و نیز طول زمان اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری در ایران، این امر را به وضوح نشان می‌دهد.

ثالثاً، سومین مانع عمده در این رویکرد، محدودیت سرمایه است. رابعاً با وجود این رویکرد در توسعه، تلاش چندانی برای افزایش بهره‌وری سرمایه نخواهد شد و لذا سرمایه‌گذاری‌های موجود، انباشت سرمایه‌ای را برای سرمایه‌گذاری مجدد تأمین نخواهد کرد و از طرف دیگر، بهره‌وری پایین سرمایه، رغبت سرمایه‌داران را برای سرمایه‌گذاری کاهش خواهد داد.

در رویکرد توسعه اقتصادی با ارتقای بهره‌وری ظرفیت‌های موجود (افزایش ستانده)، اصل پذیرفته شده در نزد مدیران عالی و ترسیم‌کنندگان

راهبرد توسعه این است که توسعه از طریق ارتقای بهره‌وری از ظرفیت‌های موجود، محقق خواهد شد. در این رویکرد از طریق ارتقای بهره‌وری سرمایه، نیروی انسانی و نیز بهبود بهره‌وری ساختارهای مدیریتی، بهره‌وری کل عوامل افزایش می‌یابد و به رشد تولید ناخالص داخلی می‌انجامد و از این طریق ارتقای استاندارد زندگی و بهبود کیفیت زندگی محقق می‌گردد.

با استفاده از این رویکرد، ارتقای بهره‌وری از ظرفیت‌های موجود این امکان را به وجود خواهد آورد که سرمایه‌های موجود، توان بازسازی خود را داشته باشد و در فرصت مناسب برای نوسازی خود اقدام کند. امکان انباشت سرمایه جهت توسعه سرمایه‌گذاری به وجود می‌آید، امکان ارتقای کیفیت زندگی برای شاغلان و مصرف‌کنندگان فراهم می‌شود و انگیزه مضاعفی برای کار و تولید به وجود می‌آید. در نهایت توان انباشت سرمایه‌ای متناسب با نیازهای توسعه فراهم می‌شود.

در رویکرد توسعه اقتصادی با روش ترکیبی، ایجاد ظرفیت‌های جدید و ارتقای بهره‌وری کل عوامل همزمان مدنظر می‌باشد. در این رویکرد از یک سو افزایش سرمایه‌گذاری و اشتغال و از سوی دیگر بهبود بهره‌وری سرمایه، نیروی انسانی و ساختارهای مدیریتی مدنظر می‌باشد که توأمان در افزایش تولید ناخالص داخلی مؤثر است و از این طریق ارتقای استاندارد زندگی و بهبود کیفیت زندگی تحصیل می‌گردد.

از آنجا که رویکرد ترکیبی، مزایای ایجاد ظرفیت‌های جدید و نیز ارتقای بهره‌وری ظرفیت‌های موجود را دارد، برای توسعه اقتصادی رویکرد مناسبی است و به همین جهت ذهنیت، نگرش و بیس‌نشد مدیران و ترسیم‌کنندگان راهبرد توسعه را به خود معطوف کرده است.

ارتقای بهره‌وری در ایران یک ضرورت است

اگر جمهوری اسلامی ایران قادر نباشد که فاصله خود با کشورهای تازه صنعتی شده آسیایی عضو سازمان بهره‌وری آسیایی را در طی یک دوره چند ساله برطرف کند، اختلاف سطح توسعه نیافتگی ایران با آنها عمیق‌تر خواهد شد.

بررسی روند تغییرات تولید ناخالص داخلی ایران و موجودی سرمایه ثابت خالص در سال‌های ۱۳۴۵-۷۷ بیانگر آن است که روند تغییرات این دو عامل طی سال‌های ۱۳۵۵-۷۰ همسو بوده، ولی از سال ۱۳۷۰ به بعد حرکتی همسو و در حال تغییر داشتند. از آنجا که شیب نمودار سرمایه خالص انباشته بیش از تولید ناخالص داخلی در این دوره زمانی است، این امر نشان می‌دهد که برای اضافه کردن یک واحد به تولید ناخالص داخلی (GDP) در هر سال به سرمایه‌گذاری بیشتری نیاز است.

باید در نظر داشت که با افزایش جمعیت و کاهش درآمدهای ارزی، درآمدهای سرانه به قیمت‌های ثابت تقلیل یافته و همین امر باعث می‌شود

تا نسبت پسانداز ملی به تولید ناخالص ملی و متعاقب آن سرمایه‌گذاری از محل منابع داخلی با محدودیت‌های جدی‌تر مواجه شود.

از آنجا که استفاده از اعتبارات مالی خارجی جهت تشکیل سرمایه نیز با دشواری‌هایی همراه است، انتظار نمی‌رود این دشواری‌ها به سهولت در آینده نزدیک برطرف شود.

بررسی روند تغییرات اندازه بهره‌وری سرمایه در سه دهه گذشته روشن‌گر آن است که اقتصاد ایران این شاخص را در اندازه‌های بزرگتر تجربه کرده است و متوسط بهره‌وری سرمایه از ۱/۶۵ درصد در دوره ۱۳۴۵-۵۵ به ۰/۵۸ در دوره ۱۳۵۶-۶۷ تنزل یافته و سپس در دوره ۱۳۶۸-۷۲ به ۰/۶۰ و در دوره ۱۳۷۳-۷۷ به ۰/۶۴ درصد افزایش یافته است.

اگر موجودی سرمایه ثابت در سال ۱۳۷۵ با متوسط بهره‌وری سرمایه در دوره ۱۳۴۵-۵۵ به کار گرفته می‌شد، تولید ناخالص داخلی ایران به جای رقم ۱۶۱۹۲/۳ میلیارد ریال ثبت شده برای سال ۱۳۷۵ به ۴۱۷۲۰/۹ میلیارد ریال می‌رسید.

در این گزارش تصریح شده است: برای افزایش تولید ناخالص داخلی کشور، دو رویکرد پیش رو داریم. یکی آنکه با همین نرخ بهره‌وری سرمایه در سال ۱۳۷۵ (به میزان ۰/۶۴ درصد) اقتصاد کشور به تولید پردازد که در این صورت برای

افزایش تولید از ۱۶۱۹۲/۳ به ۴۱۷۲۰/۹ میلیارد ریال به حدود ۳۹۸۸۸/۴ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری جدید نیاز است که این رقم ۱/۶ برابر موجودی سرمایه ثابت کشور در سال ۱۳۷۵ می‌باشد که به یقین تأمین آن خارج از توان کشور است.

رویکرد دیگر، ارتقای بهره‌وری سرمایه از ۰/۶۴ به ۱/۶۵ درصد است که در دوره ۵۵-۱۳۴۵ نیز تجربه شده است. در صورت تحقق این امر، برای افزایش تولید، علاوه بر آنکه به سرمایه‌گذاری جدید نیاز نیست، بلکه قیمت تمام شده محصول کاهش می‌یابد و توان رقابتی کشور برای حضور فعالانه در بازارهای جهانی افزایش خواهد یافت. علاوه بر این از سرمایه‌های آزاد شده می‌توان در جهت بهبود کیفیت و اصلاح ساختارهای تولید سود جست که تشدید توان رقابتی را سبب خواهد شد.

تحلیلی بر نتایج بررسی تطبیقی

بررسی تطبیقی شاخص‌های مورد مطالعه در ایران در سال‌های ۱۳۶۵-۷۶ با برخی کشورهای عضو سازمان بهره‌وری آسیایی که از نظر اقتصادی و اجتماعی شرایط مشابه با ایران دارند، بیانگر این واقعیت است که شاخص‌های مورد مطالعه در ایران به صورت قابل ملاحظه‌ای با شاخص‌های متناظر در کشورهای منتخب از سازمان یاد شده، اختلاف دارند که علت اصلی آن ویژگی‌های نظام‌های اقتصادی حاکم بر ایران و

آن کشورها می‌باشد. عوامل تأثیرگذار بر شرایط موجود بهره‌وری در ایران طیف وسیعی دارند که عمده‌ترین آنها «فقدان نگرش ترکیبی به توسعه» است.

در نظام برنامه‌ریزی ایران که تخصیص و به‌کارگیری منابع در آن همان شکل و روابطی را دارد که در برنامه اول توسعه اقتصادی در سال ۱۳۷۲ وجود داشت، ولی با گذرگی و تنوع بیشتر، ارزیابی موفقیت‌ها و شکست‌ها در قالب یک رشد اقتصادی تعریف و تبیین می‌شود. متعاقباً این رشد اقتصادی در نظر گرفته شده، به بخش‌های مختلف تقسیم می‌شود.

با توجه به مفهوم بهره‌وری، این پرسش مطرح است که آیا واقعاً ارزیابی موفقیت و یا شکست یک برنامه و در نهایت ارزیابی موفقیت و عدم موفقیت یک کشور در اجرای برنامه‌هایش، رسیدن به همان اهداف رشد اقتصادی است و یا پاسخ به این سؤال است که در دوران برنامه چه منابعی صرف شده است و چه چیزی به دست آمده است و نسبت این داده‌ها و ستانده‌ها در طول زمان چگونه تغییر کرده است و آیا این امکان وجود نداشت که با صرف این داده‌ها، نتایج بهتری حاصل شود.

در برنامه‌های توسعه گذشته آنچه مورد توجه قرار گرفته، رویکرد ایجاد ظرفیت‌های جدید بوده است. این نگرش تبعاتی دربرداشته که عبارتند از:

الف - این نگرش توسعه از سطح کلان دولت و سایر مراجع قانون‌گذاری به سطوح مختلف مبانی و خرد نفوذ کرده است. به طوری که در سطح دستگاه‌ها، بخش‌ها و بنگاه‌ها (خصوصی و دولتی) این نگرش به صورت یکسان و یکنواخت وجود دارد و اگر در جایی خلاف آن دیده شود، به صورت استثنا و نادر است.

ب - به دلیل عدم توجه به رویکرد «ارتقای بهره‌وری ظرفیت‌های موجود»، ایجاد ظرفیت‌های جدید هم دچار مشکل شده است. در حال حاضر زمان شروع و به بهره‌برداری رسیدن یک طرح عمرانی متوسط، چند سال طول می‌کشد و این امر بسیاری از طرح‌ها را در زمان بهره‌برداری، غیر اقتصادی می‌کند.

ج - به دلیل فقدان توجه مدیران راهبردی به این رویکرد، بی‌اعتنایی یا کم‌اعتنایی در این زمینه به یک فرهنگ (سازمانی، دستگاهی و کشوری) تبدیل شده است و بنابراین مدیران سطوح میانی و خرد به خوبی دریافته‌اند که باید به دنبال مواردی باشند که مورد نظر مدیران راهبردی قرار دارد. با حذف این رویکرد از نگرش مدیران راهبردی، مدیران سطوح میانی و خرد، نیز همین روش را در پیش گرفته‌اند.

این در حالی است که کشورهای مشابه ایران در سازمان بهره‌وری آسیایی حساب جداگانه‌ای برای ارتقای بهره‌وری کل عوامل در برنامه‌های خود باز کرده‌اند. برای مثال در کشورهای سنگاپور، تایلند،

هند و... هدف دولت در مورد ارتقای بهره‌وری کاملاً تعریف شده است. مثلاً در سنگاپور هدف عبارت است از رشد ۲ درصدی شاخص بهره‌وری کل عوامل به طور سالانه. رابطه بین اهداف بهره‌وری و رشد اقتصادی نیز مشهود است. به طوری که در سنگاپور حدود ۳۰ درصد و در هند و تایلند حدود ۴۵ درصد و در مالزی حدود ۵۰ درصد از رشد اقتصادی از محل ارتقای بهره‌وری کل عوامل تأمین می‌شود.

بررسی وضعیت ایران نشان می‌دهد که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب تأکید بیشتری روی رویکرد ایجاد ظرفیت‌های جدید شده است. در کنار این رویکرد و به موازات آن فعالیت‌های پراکنده‌ای برای افزایش بهره‌وری و توجه به رویکرد ارتقای بهره‌وری ظرفیت‌های موجود شده است که به دلیل آنکه اهمیت چندانی نداشته و از انجام کافی برخوردار نبوده، به صورت برخی فعالیت‌های پراکنده انجام شده است.

تجربه سایر کشورهای موفق در آسیا و نیز در اروپا و در همین حال شرایط اجتماعی و اقتصادی ایران، این موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد که تنها راه توسعه ایران، طراحی و اجرای رویکرد ترکیبی با تأکید موکد بر افزایش بهره‌وری کلیه منابع و نهاده‌ها است.

